

Hastazarārū nizārum
لذت.

حیثیت، همه زاروزارم
بین افندی

دیدن لی رفی دو نه ته حس آه او فی
ده سو ط سه
صب دی ما قال
ده که فی سه
با بد که جی
کاش کی د
آنده قی
*
تمامی کوره دی
کوره دی

همه زاروزارم می سوارم سوهاتی

قاطادی صید و فرا می کورد دم کرده

مکرم باشد لذت ناولک مرکانیک ابلج

لذت در بیماره آزارم می سوارم